



«حلقات»

درس هشتم

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای پیشوایی

مقدمه

پیش از این گفتیم به مفهوم شرط در آیه نبأ دو اشکال وارد شده است. در دروس گذشته اشکال نخست و پاسخ به آن بررسی شد.

اشکال دوم مربوط به عمومیت تعلیل نسبت به موضوع مفهوم است که به آن سه پاسخ داده شده است. پاسخ نخست تخصیص است یعنی خروج موضوع مفهوم (خبر عادل) از عمومیت تعلیل؛ که شهید صدر آن را نپذیرفت. پاسخ دوم از مرحوم نایینی است، که بر اساس مبنای خودشان در معنای حجیت، مفهوم را اثبات کرده بود. ایشان مفهوم را بر مرطوق حاکم دانسته و در نتیجه بر آن مقدم می‌دارد. در این جلسه نخست به نقد و بررسی پاسخ مرحوم نایینی می‌پردازیم، سپس به پاسخ سوم که از مرحوم آخوند خراسانی است، می‌پردازیم.

متن درس

4/40 تا 11/40

ويرد عليه، انه اذا كان مفاد المفهوم اعتبار خبر العادل علما فمفاد المنطوق نفى هذا الاعتبار عن خبر الفاسق، وعليه فالتعليل يكون ناظرا إلى توسعة دائرة هذا النفي، وتعميمه على كل ما لا يكون علميا، فكأن التعليل يقول ان كل ما لا يكون علما وجدانا لا اعتبره علما. وبهذا يكون مفاد التعليل، ومفاد المفهوم في رتبة واحدة احدهما يثبت اعتبار خبر العادل علما، و الآخر ينفي هذا الاعتبار ولا موجب لحكومة احدهما على الآخر.

ثالثها - ما ذكره المحقق الخراساني - رحمه الله - من ان الجهالة المذكورة في التعليل ليست بمعنى عدم العلم بل بمعنى السفاهة، والتصرف غير المتزن فلا يشمل خبر العادل الثقة لانه ليس سفاهة ولا تصرفا غير متزن

الوجه الثاني: ان يستدل بمفهوم الوصف حيث انيط وجوب التبين بفسق المخبر فينتفي بانتفائه ومفهوم الوصف تارة يستدل به في المقام بناء على ثبوت المفهوم للوصف عموماً، وتارة يستدل به لامتياز في المقام، حتى لو انكرنا مفهوم الوصف في موارد اخرى،

بررسی پاسخ مرحوم نایینی

محقق نایینی مفهوم را، مفسر موضوع منطوق دانستند. در نتیجه مفهوم بر منطوق حاکم بوده و بر آن مقدم می‌شود.

شهید صدر به ایشان چنین اشکال می‌کند که شما براساس مبنای خود مفهوم را معنا کردید. بر اساس مسلک شما در حجیت، خبر واحد تعبدا علم محسوب شده و خبر عادل رافع جهل شده و تعبدا دلیل علمی است. اما اگر منطوق هم براساس همین مبنا تبیین شود، معلوم می‌شود، که همچنان بین مفهوم و منطوق تعارض برقرار است و حکومتی در کار نیست.

تبیین منطوق

مفهوم آیه شریفه این بود که هر امری که رافع جهل نیست، حجت نیست؛ زیرا سبب پشیمانی است. حال اگر بر اساس مسلک جعل طریقت منطوق را هم معنا کنیم، چنین می‌شود: هرچه وجدانا علم و رافع جهل نیست، تعبدا نیز رافع جهل و مفید علم نمی‌باشد.

در نتیجه بنابر مسلک تتمیم کشف (مسلک نایینی)، باز منطوق و مفهوم با هم تعارض دارند؛ زیرا در مفهوم می‌گوییم: خبر عادل تعبدا مفید علم است و در منطوق می‌گوییم هر چیزی که وجدانا مفید علم نیست، از جمله خبر واحد، تعبدا هم مفید علم نیست. در نتیجه تعارض برقرار بوده و هیچ کدام حاکم و ناظر به موضوع دیگر نیست.

نکته

در جایی که بین دو دلیل رابطه حکومت وجود دارد، دلیل رابطه حاکم مقدم می‌شود و با دلیل محکوم تعارض بدوی دارد نه تعارض مستقر.

مثالی عرفی برای تقریب به ذهن رابطه حکومت: اگر دولت ایران به یک خارجی اجازه رأی دادن دهد، یا یک ایرانی را از حق رأی محروم کند، کارش در تعارض با قانون است؛ اما اگر حکومت از راه دیگری وارد شود و به شخص خارجی تبعیت ایرانی بدهد یا از شخص ایرانی تابعیت ایران را لغو کند، آن وقت ممانعت از رأی دادن این ایرانی یا اجازه رأی دادن به آن خارجی، معارض با قانون نیست؛ زیرا آن خارجی دیگر ایرانی و این ایرانی غیر ایرانی محسوب می‌شود. در نتیجه با این عمل حکومت، دایره ایرانی بودن توسعه و تضییق داده می‌شود.

پاسخ سوم

از آخوند خراسانی است. ایشان در پاسخ اشکال کننده به معنای مورد نظر او از جهالت اشکال می‌کنند و می‌گویند: جهالت در آیه شریفه به معنای جهل و عدم علم نیست، بلکه به معنای سفاهت، بلاهت، بی‌خردی و اقدام نسنجیده است. اصطلاحاً جهل در برابر علم نیست، بلکه جهل در برابر عقل است. برای نمونه باب نخست کتاب شریف کافی عقل و جهل می‌باشد. بنابر این معنای آیه شریفه چنین می‌شود که «نباید به خبر فاسق اعتماد کنید؛ زیرا هرکس کار سفیهانه کند پشیمان می‌شود». گویی آیه شریفه می‌فرماید: اعتماد بر خبر فاسق بدون تحقیق جایز نیست؛ زیرا برآمده از سفاهت است و سفاهت سبب پشیمانی می‌شود. اما این معنا در خبر عادل وجود ندارد؛ زیرا اعتماد به خبر عادل و موثق دیگر سفاهت نیست، بلکه تمسک به خبر عادل عین رفتار عقلایی است و تمام عقلا چنین سیره‌ای دارند و به اخبار ثقات اعتماد می‌کنند. پس آیه شریفه با عمومیتش شامل خبر عادل نمی‌شود؛ زیرا تعلیل شامل جایی است که اعتماد به خبر بدون تحقیق سفاهت باشد.

Sco1 17:00

استدلال به مفهوم وصف در آیه نبأ

وجه نخست استدلال به آیه شریفه نبأ برای حجیت خبر واحد، استفاده از مفهوم شرط بود. وجه دوم این استدلال استفاده از مفهوم وصف است. در این آیه شریفه یک وصف وجود دارد که حکم بر آن بار شده است. این وصف «فسق مخبر» است که وجوب تبیین بر آن استوار شده است. حکم وجوب تبیین وابسته به وجود این وصف است. «إن جئکم فاسق بنیا فتبینوا».

«مخبر»، موصوف این وصف است که حذف شده است. در مفهوم وصف، با انتقای وصف، حکم (که در این جا وجوب تبیین است) نیز منتفی می‌شود؛ یعنی اگر مخبر فاسق نبوده و عادل باشد، وجوب تبیین هم منتفی می‌شود. به عبارت دیگر عدم حجیت روی فسق رفته و در صورت انتفاء فسق عدم حجیت منتفی شده و خبر حجت می‌شود.

برای این استدلال:

الف) یا باید مفهوم وصف را مطلقاً ثابت کرد؛

ب) یا این که در آیه شریفه وجود یک مزیت اثبات شود که این مزیت، سبب شود وصف در این آیه مفهوم داشته باشد و گر نه مفهوم وصف همیشه و همه جا ثابت نیست.

Sco2 26:3

چکیده

1. در آیه شریفه نبأ مفهوم و منطوق در رتبه واحدی هستند. بنابراین بین آن‌ها حکومت برقرار نیست.
2. معنای مفهوم و منطوق بر مبنای مد نظر مرحوم نایینی چنین می‌شوند، مفهوم: «خبر عادل رافع جهل است تعبدا» و منطوق: «هرچیزی که وجدانا رافع جهل نیست، تعبدا هم رافع جهل نیست». در نتیجه بین این دو حکومتی وجود ندارد و پاسخ ایشان پذیرفتنی نیست.
3. بین دو دلیل که میان آن‌ها رابطه حکومت وجود دارد، تعارضی نیست، مانند جایی که حاکم نخست فردی را از تحت شمول قانون خارج می‌کند، آن‌گاه حقوق قانونی او را از وی می‌گیرد.
4. آخوند خراسانی جهل را در آیه به معنای عدم العقل و سفاهت معنا کرده است. در نتیجه اعتماد به خبر عادل سفاهت نبوده و تحت عمومیت تعلیل نمی‌باشد، پس مفهوم با منطوق در تعارض نبوده و مفهوم ثابت و حجت است.
5. وجه دوم استدلال به آیه نبأ مفهوم وصف است. . برای این استدلال یا باید مفهوم وصف را در همه جا بپذیریم، یا این که برای این آیه مزیتی قائل شویم که در این آیه به خاطر این ویژگی مفهوم وصف حجت باشد.
6. در آیه شریفه حکم وجوب تبیین بر وصف «فسق» حمل شده است. اگر فسق منتفی شود، حکم وجوب تبیین هم منتفی خواهد شد.